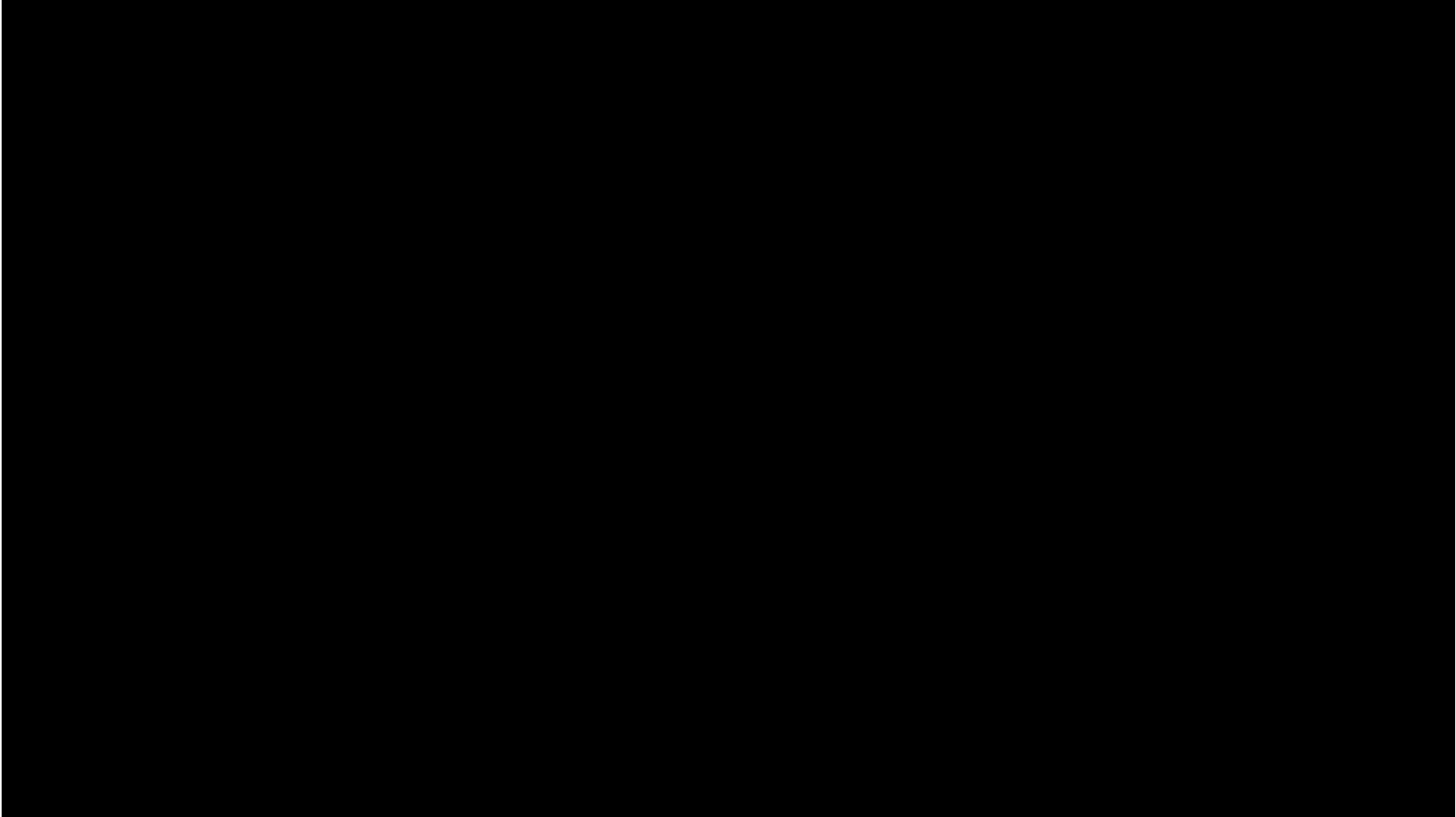


هو الخلاق العليم

اصلاح سیاست های توسعه صنعتی

در مسیر توسعه







- ❖ یکی از مواردی که همواره در اسناد بالادستی و سیاست های کلی کشور موكداً به چشم می خورد، موضوع رشد اقتصادی و بهبود شرایط اشتغال است که به طور مشخص می تواند از مسیر صنعتی شدن کشور با محوریت بهبود درجات ارزش افزوده، توسعه صادرات، بهبود بهره وری و اشتغال زایی دنبال شود.
- ❖ اما نگاهی به شرایط توسعه صنعتی کشور طی چند دهه گذشته نشان می دهد که اتکای تولیدات صنعتی بر صنایع منبع محور بوده و انرژی ارزان محور کلیدی توسعه آن ها بوده است. این صنایع در حال حاضر شاکله اصلی ارزش افزوده کشور را با سهم بیش از ۷۰ درصد به خود اختصاص داده اند.
- ❖ از این رو این سوال مورد توجه قرار می گیرد که آیا قرار است روند توسعه صنعتی کشور بر همین اساس ادامه پیدا کند و یا اینکه لازم است صنایعی با ویژگی های ممتاز در خلق ارزش افزوده، توسعه صادرات غیر متکی بر منابع، ایجاد اشتغال و ... توسعه یابند. در این صورت نظام سیاست گذاری کشور تا چه میزان آمادگی ریل گذاری این مسیر را دارد؟

طبقه بندی صنایع



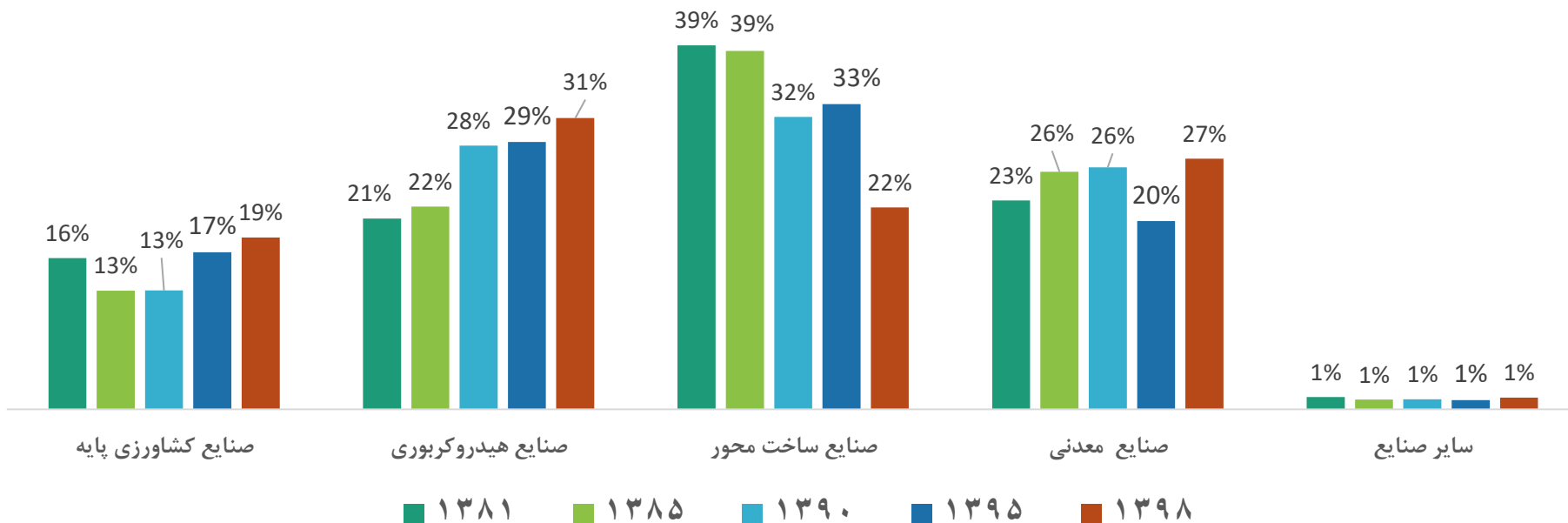
- ❖ **صنایع کشاورزی پایه:** تولید فراورده‌های غذایی، تولید انواع آشامیدنی‌ها، تولید فراورده‌های توتون و تنباکو، تولید منسوجات، تولید چرم و فراورده‌های وابسته، تولید چوب و فراورده‌های چوبی، تولید کاغذ و فراورده‌های کاغذی، تولید پوشاک، تولید مبلمان.
- ❖ **صنایع هیدروکربوری:** تولید کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت، تولید موادشیمیایی و فراورده‌های شیمیایی
- ❖ **صنایع ساخت محور:** تولید محصولات فلزی ساخته شده، ساخت محصولات رایانه‌ای، تولید تجهیزات برقی، تولید ماشین‌آلات و تجهیزات، تولید وسایل نقلیه موتوری، تولید سایر تجهیزات حمل و نقل، تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی، تولید فراورده‌های لاستیکی و پلاستیکی.
- ❖ **صنایع معدنی:** تولید فرآورده‌های معدنی غیرفلزی، تولید فلزات پایه
- ❖ **سایر صنایع:** چاپ و تکثیر، تولید سایر مصنوعات، تعمیر و نصب ماشین‌آلات

ظهور عدم توازن در ساختار صنعتی کشور



در طول دو دهه گذشته، ساختار صنعتی کشور دچار تحول بنیادینی شده که نتیجه آن رشد هرچه بیشتر صنایع منبع محور و وابسته به منابع تجدید ناپذیر در مقابل کاهش سهم صنایع ساخت محور در عملکرد صنعتی کشور بوده است. همان گونه که در نمودار زیر مشاهده می گردد، طی دو دهه اخیر سهم صنایع ساخت محور از ارزش افزوده کل صنعت، روند نزولی را طی نموده و از ۳۹٪ به ۲۲٪ کاهش یافته است.

نتیجه این روند افزایش سهم صنایع منبع محور در بالادست زنجیره های ارزش با توان اشتغالزایی و ارزش افزایی کم در مقابل کاهش سهم صنایع ساخت محور در پایین دست زنجیره های ارزش است که توان ارزش افزایی بالایی دارند و می توانند موتور محرک رشد بخش صنعت در توسعه اشتغال و صادرات باشند.

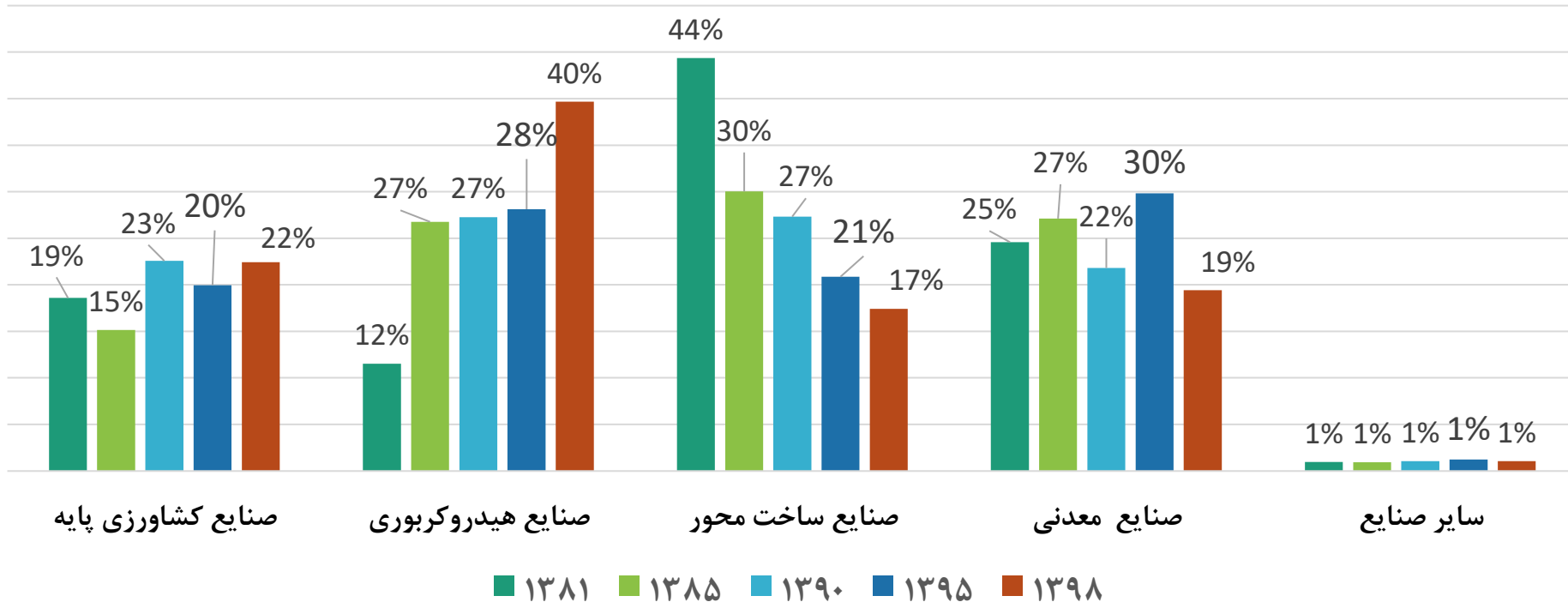


روند سهم صنایع از ارزش افزوده در بخش صنعت در بازه زمانی ۹۸-۱۳۸۱

رشد نزولی تشکیل سرمایه ثابت در صنایع ساخت محور



بررسی روند تشکیل سرمایه ثابت، وضعیت بحرانی تری را نیز برای صنایع ساخت محور نشان می دهد. مطابق شکل زیر به وضوح کاهش سهم گیری صنایع ساخت محور از تشکیل سرمایه ثابت بخش صنعت (از ۴۴٪ به ۱۷٪) در مقابل رشد شتابان صنایع هیدروکربوری (از ۱۲٪ به ۴۰٪) طی سال های ۹۸-۱۳۸۱ مشاهده می شود.



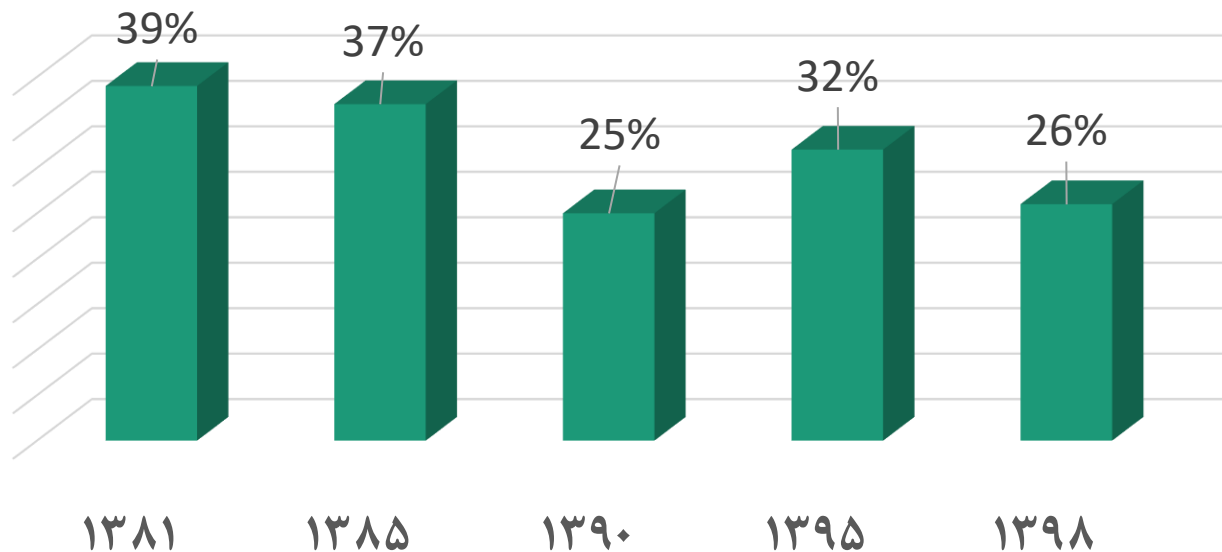
رشد سهم صنایع از تشکیل سرمایه ثابت در بخش صنعت در بازه زمانی ۹۸-۱۳۸۱

کاهش توان ارزش افزایی بخش صنعت و کاهش عملکرد آن در اقتصاد ملی



نتیجه تغییر سبد محصولات صنعتی کشور از صنایع ساخت محور به صنایع منبع محور، کاهش توان خلق ارزش افزوده صنعت بوده به طوری که توان ارزش افزایی صنعت طی دو دهه گذشته کاهش محسوسی داشته و از رقم ۳۹٪ به رقم ۲۶٪ رسیده است.

در این میان باید توجه داشت که در صورت عدم برنامه ریزی برای تولید صیانتی، پایداری برنامه های توسعه صنعتی با اتکا به صنایع منبع محور با چالش مواجه خواهد شد (بواسطه محدودیت در منابع و انرژی)، که امروز برخی از پیامدهای آن در عدم تامین انرژی و خوراک مورد نیاز این دسته از صنایع در برخی از مقاطع زمانی مشاهده می گردد.

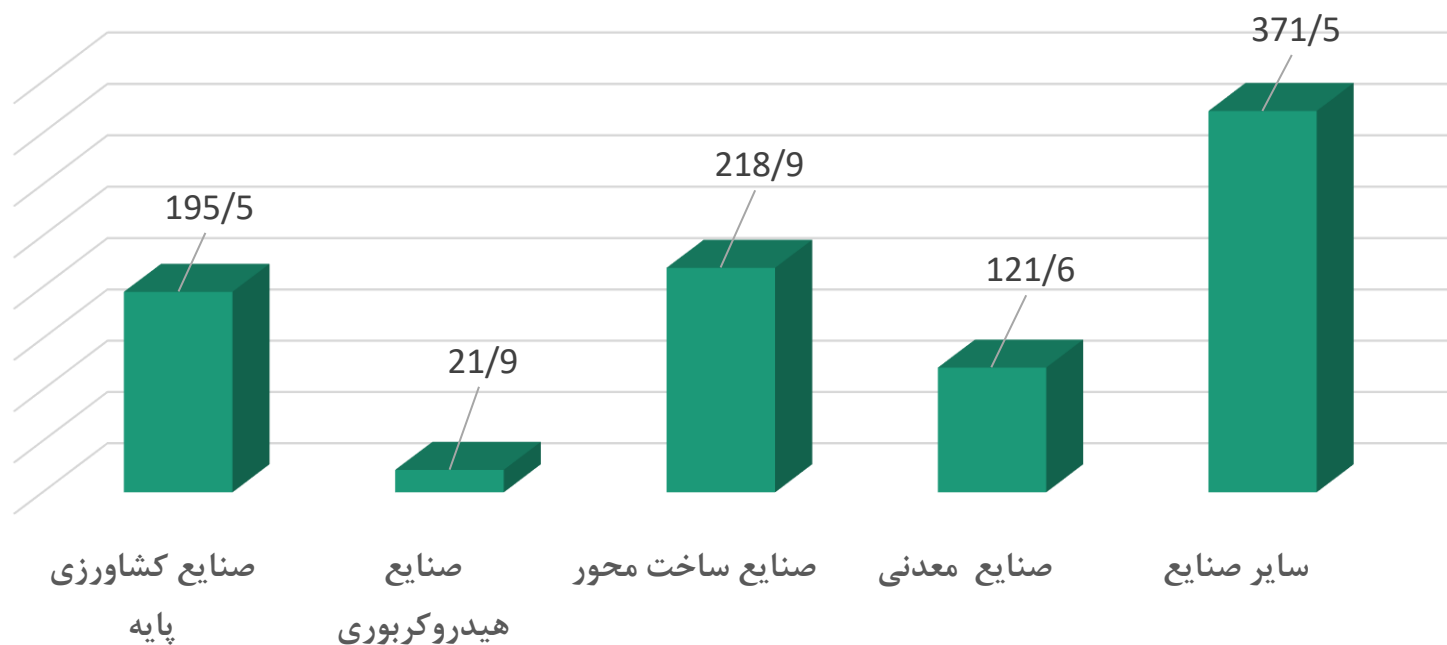


سری زمانی توان ارزش افزایی (نسبت ارزش افزوده به ارزش ستانده) بخش صنعت طی بازه زمانی ۱۳۸۱-۹۸

توان اندک صنایع هیدروکربوری برای اشتغال زایی



از آنجاکه توان اشتغال‌زایی در صنایع منبع محور پایین است، بنابراین به سادگی نمی‌توان سازگاری میان اهداف درآمدزایی صادراتی و اشتغال‌زایی برای این صنایع برقرار کرد. مطابق با نمودار، در حالی که صنایع هیدروکربوری متوسط اشتغال ۲۱۰۹ نفر به ازای هزار میلیارد ریال ارزش تولید داشته‌اند، صنایع ساخت محور توانسته‌اند در همین بازه فروش، اشتغال ۲۱۸۰۹ نفری را رقم بزنند.

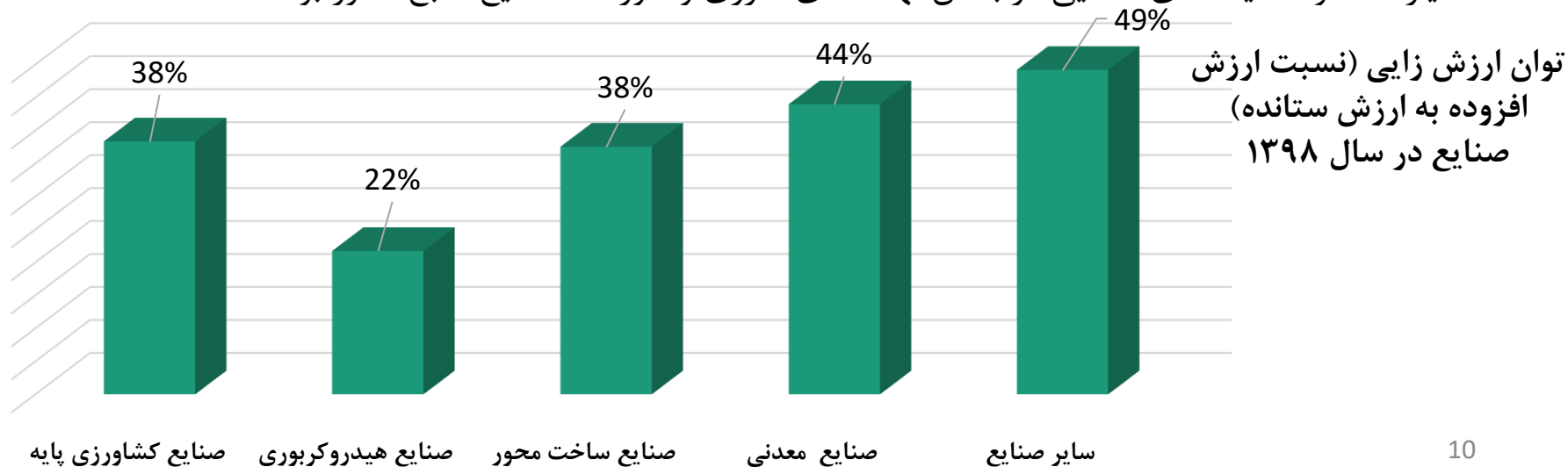


اشتغال زایی صنایع در سال ۱۳۹۸ (تعداد اشتغال به ازای هزار میلیارد ریال تولید)

توان ارزش زایی پایین با وجود یارانه انرژی



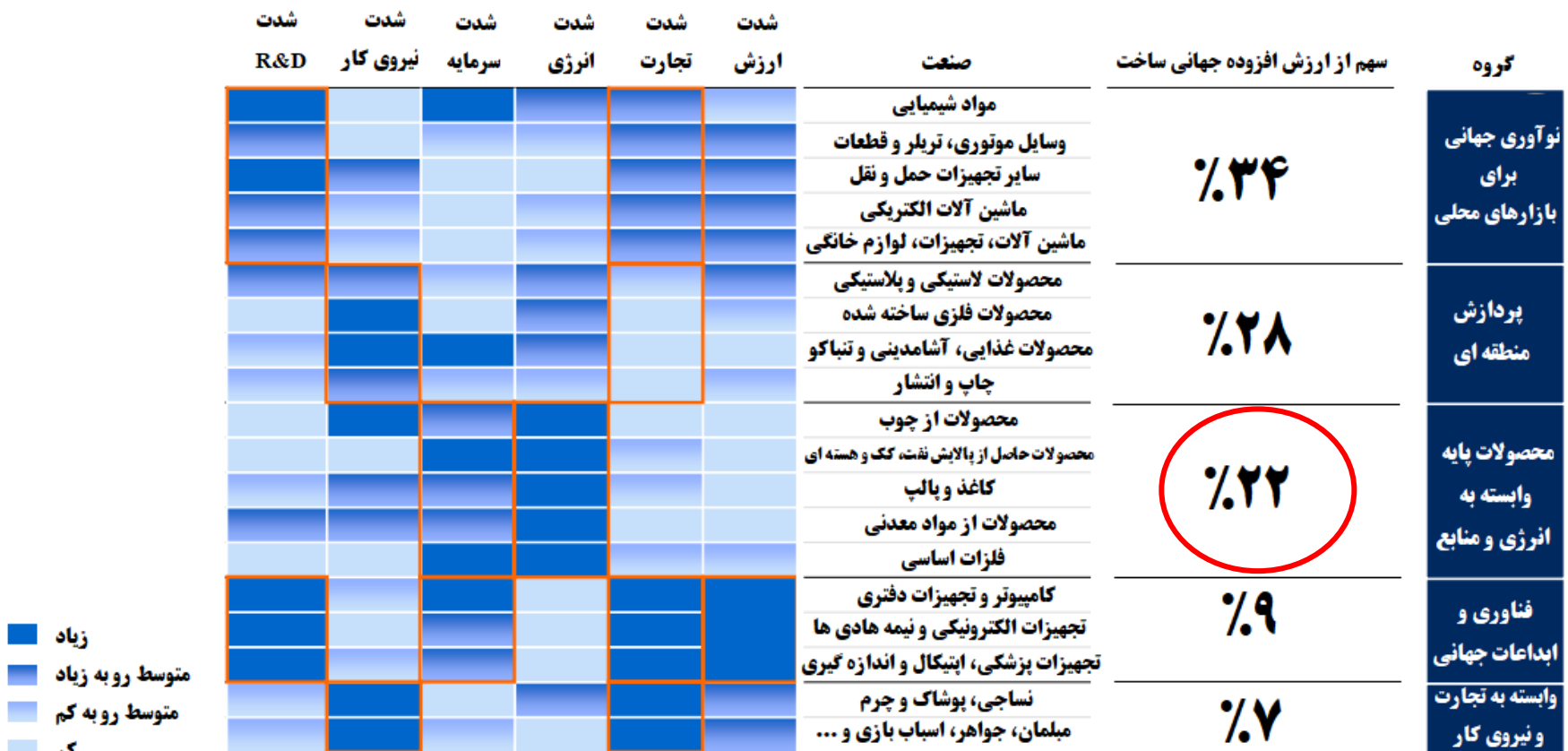
کاهش سهم صنایع ساخت محور از ارزش تولید و صادرات صنعتی کشور و محدود شدن تولید و صادرات کشور به صنایع با توان ارزش زایی پایین چالش هایی نظیر تنوع پایین بازارهای صادراتی، آسیب پذیری بالا از تحریم ها و ... را به همراه دارد. در شکل زیر توان ارزش آفرینی گروه های مختلف صنایع با هم مقایسه شده است. لازم به ذکر است که این نکته باید در نظر گرفته شود که به واسطه یارانه اعطایی در بخش انرژی و خوراک، میزان ارزش زایی صنایع منبع محور و مصرف کننده انرژی بسیار بیشتر از توان واقعی آن ها برآورد شده است. برای نمونه توان ارزش زایی صنایع معدنی در حالی ۴۴ درصد است که این رقم برای صنایع ساخت محور ۳۸ درصد بوده، که متاثر از یارانه ها و تخفیف های اعطایی در بخش نهاده های (انرژی و خوراک) صنایع منبع محور بوده است.



نقشه توزیع ارزش افزوده صنعتی در جهان



بر خلاف ساختار صنعتی کشور، در دنیا صنایع منبع محور نظیر محصولات از پالایش نفت، محصولات از مواد معدنی، فلزات اساسی به همراه محصولات از چوب و کاغذ تنها ۲۲٪ ارزش افزوده صنعتی را به خود اختصاص داده اند.

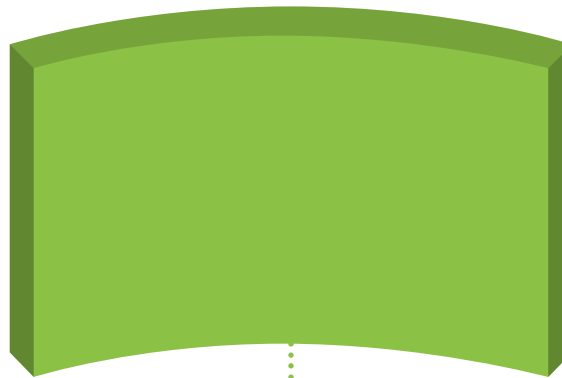


SOURCE: IHS Global Insight; OECD; Annual Survey of Manufacturers (ASM) 2010; US 2007 Commodity Flow Survey; McKinsey Global Institute analysis

علل و عوامل وضعیت فعلی اقتصاد ایران



فقدان جهت گیری کلان
در توسعه صنعتی



ناکارآمدی ابزار یارانه انرژی
در جهت توسعه صنعتی کشور



هزینه فرصت بالای سرمایه
گذاری در فعالیت های مولد

چالش حبس یارانه ها و کاهش توان رقابتی در بخش صادرات کشور



- ❖ چالش های ناشی از حبس یارانه و منافع مالی در حلقه های بالادست که مانعی بر توسعه و تکمیل زنجیره ارزش در پایین دست می شود، موضوعی است که در سالیان گذشته و خصوصا در نوسانات اخیر نرخ ارز موجب چالش های اساسی در تنظیم بازار زنجیره تامین صنایع کشور شده است.
- ❖ بخشنامه های متعدد، سامانه های گوناگون و نهایتا نوسانات شدید قیمت و بهای بالاتر مواد اولیه کلیدی مورد نیاز صنایع کشور، خروجی این ساختار بیمار است.
- ❖ وابسته شدن عملکرد صادرات کشور به محصولات پایه ای و اساسی و در نتیجه تاثیر پذیری حجم و ارزش صادرات کشور از متغیرهای محیطی، چالشی اساسی در مسیر تنظیم موازنه صادرات و واردات کشور است.

حمایت های غیر هدفمند از بخش تولید



❖ سرمایه گذاری و احداث واحدهای جدید با هدف جذب وام و ارز ترجیحی، منجر به فساد انحراف منابع به فعالیت های سوداگرانه و تعداد بیش از حد واحدها در بسیاری از رشته های تولیدی شده است. به طوری که امروزه عدم توان بهره مندی از صرفه مقیاس یکی از مهمترین چالش های بدنه تولید در کشور است.

❖ حمایت های تعرفه ای و یا موانع غیر تعرفه ای باعث تحمیل هزینه به اقتصاد کشور، مصرف کننده و نهایتاً نابودی انگیزه برای بهبود بهره وری و محصولات توسط تولید کننده داخلی شده است. این صنایع فقط قادر به حیات در فضای بسته با اتکا به سود انحصار میباشند و توان و انگیزه ای برای صادرات و بین المللی شدن ندارند.

هزینه فرصت بالای سرمایه گذاری در فعالیت های مولد



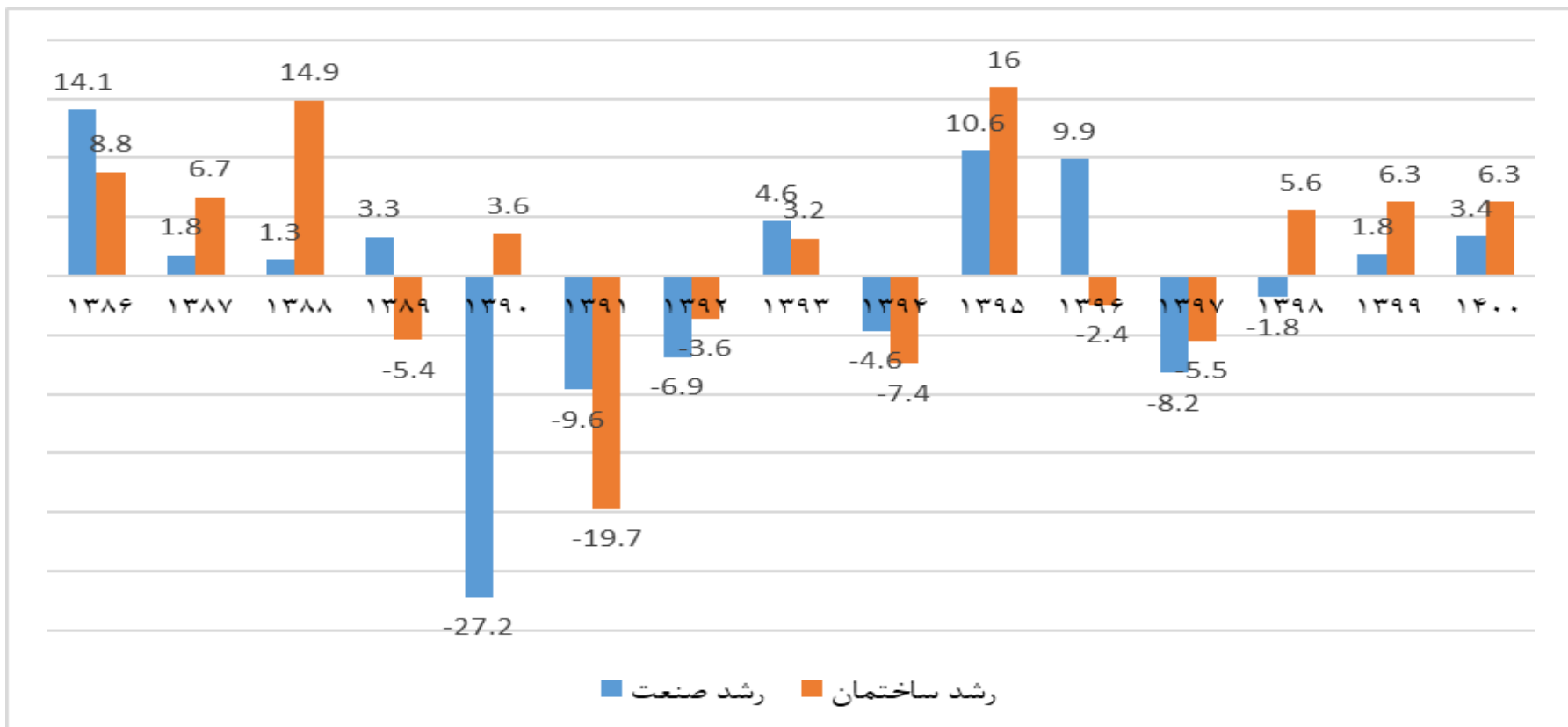
یکی دیگر از دلایل کاهش جدی سرمایه گذاری صنعتی نداشتن چشم انداز بلند مدت و بی ثباتی قوانین، مقررات و پارامترهای مهم اقتصاد کلان است که در قالب موانع بنیادی، هر سرمایه گذاری را از طرحی که دوره برگشت سرمایه آن بیش از ۳ سال باشد منصرف می نماید. پر واضح است که بسیار به ندرت می توان فعالیت صنعتی و سازنده ای تعریف کرد که در کوتاه مدت سودآور باشد. بدیهی است در صورت عدم اصلاح این روند، شاهد تعمیق و افزایش چالش خروج سرمایه از بخش مولد اقتصاد خواهیم بود.

امروزه روند خروج سرمایه از کشور و یا حرکت آن به سمت فعالیت های غیرمولد نظیر سفته بازی در املاک و مستغلات گواه این چالش در بخش اقتصاد کشور است. (میزان تشکیل سرمایه بخش صنعت در ۳ سال گذشته حتی به اندازه استهلاك آن نیز نبوده است).

مقایسه نرخ رشد سهم بخش صنعت و بخش ساختمان از تولید ناخالص داخلی کشور (هزینه فرصت بالای سرمایه گذاری در فعالیت های مولد)



نمودار زیر رشد «بخش صنعت» و «بخش ساختمان» از تولید ناخالص داخلی کشور طی بازه زمانی سال های ۱۳۸۵ تا ۹ ماهه نخست سال ۱۴۰۰ را نشان می دهد. با وجودی که در این بازه زمانی سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی ۱۰.۵ درصد کاهش داشته، بخش ساختمان تنها ۱ درصد کاهش سهم را تجربه کرده است. نکته حایز اهمیت آن است که در شرایط بحران های سیاسی و اقتصادی (نظیر تحریم های سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷) بخش صنعت آسیب پذیرترین بخش اقتصادی کشور بوده و به وضوح در رقابت با سایر بازارها از رشد های منفی برخوردار شده است.



چارچوب انتخاب صنایع هدف در کشورهای منتخب (ترکیه و مالزی)



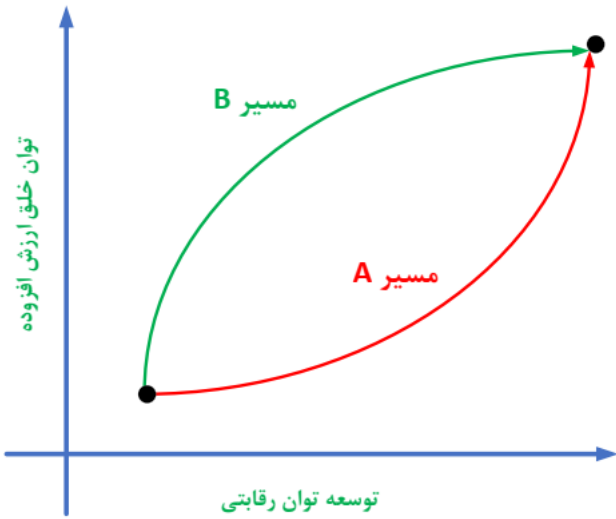
نگاهی به معیارهای انتخاب و اولویت بندی صنایع در کشورهای موفق در امر توسعه صنعتی نیز نشان می دهد که عدم اتکای صرف به مزیت های نسبی یکی از اصول اساسی در گزینش رشته فعالیت های هدف بوده است. جدول زیر مولفه ها و شاخص های انتخاب صنایع هدف در سیاست های صنعتی کشورهای ترکیه و مالزی را نشان می دهد. در سیاست صنعتی ترکیه دو محور «قابلیت های فناورانه» و «ایجاد محیط رقابتی» از جمله معیارهای کلیدی گزینش صنایع است. در سیاست صنعتی کشور مالزی نیز، در کنار صنایع منبع محور، توسعه «صنایع غیرمنبع محور» که می توانند سهم بالایی از ارزش افزوده و اشتغال را به همراه داشته باشند مورد توجه جدی قرار گرفته است.

جدول - محورهای انتخاب صنایع هدف در کشورهای منتخب

مالزی	ترکیه
<ul style="list-style-type: none"> • صنایع غیر منبع محور (الکتریکی و الکترونیک، ابزار پزشکی، نساجی و پوشاک، ماشین آلات و تجهیزات، فلزات و وسایط حمل و نقل) • صنایع منبع محور (شیمیایی، دارو، چوب، لاستیک، صنایع وابسته به روغن پالم و صنایع تبدیلی غذایی) • خدمات غیر دولتی (خدمات حرفه ای و کسب و کار، توزیع، ساخت و ساز، آموزش و مهارت، خدمات پزشکی، خدمات توریسم، خدمات و لجستیک) 	<ul style="list-style-type: none"> • قابلیت های فناورانه با تمرکز بر ظرفیت های خلاق و نوآور شرکت ها • رقابت با تمرکز بر محیط رقابتی در بازار داخلی و ساختار شرکت ها • تطابق قوانین تجارت با اتحادیه اروپا • رعایت ملاحظات مرتبط با مسائل زیست-محیطی • تسهیل تجارت با ایجاد فضای رقابتی عادلانه • ملاحظات توازن منطقه ای با تأکید بر اشتغال زایی • تحولات آتی در بازارهای جهانی



دوراهی مسیر توسعه صنعتی در ایران



- طبق آنچه عنوان شد، دستیابی به توسعه صنعتی در کشور، دو مسیر را پیش روی ما قرار می دهد که پیمودن هر کدام، به اقتضای آن صنایع راهکارهای مختص خود را می طلبد.
- در مسیر A، منابع بعنوان ورودی ارزان و سهل، مسیر توسعه یافتگی را ناهموار می کنند.
- از سوی دیگر، تسهیلات ارزان و بدون در نظر گرفتن خروجی، معضل این مسیر است.

مسیر A: توسعه توان رقابتی مبتنی بر مزیت های نسبی بدون بهبود چشمگیر در درجات خلق ارزش افزوده

ویژگی ها:

- تکثر بنگاه های بهره مند بواسطه عدم هدفمندی حمایت و تسهیلات دولت (کاهش صرفه های مقیاس و تنوع)
- ابزارهای اندک حمایتی و عمدتاً مبتنی بر رانت در عوامل تولید نظیر انرژی، مواد اولیه و نیروی کار
- وابستگی بالای توان رقابتی بنگاه به مزیت ها و رانت های عوامل تولید و فقدان توان رقابتی ناشی از قابلیت های درون بنگاهی
- خطر افتادن در تله توان رقابت پذیری ناشی از رانت های عوامل تولید بدون توان ایجاد خلق ارزش افزوده و به تبع آن وابستگی دائمی به حمایت های دولتی نظیر دیوار تعرفه ای، تخفیف هزینه های عوامل تولید و غیره
- زود بازده بودن سرمایه گذاری در این مسیر ناشی از رانت های دولتی در مقایسه با مسیر B و در نتیجه ارجحیت نفع شخصی سرمایه گذار به نفع ملی

مسیر B: توسعه توان رقابتی همزمان با توانایی خلق درجات بالای ارزش افزوده ناشی از ایجاد مزیت های رقابتی بواسطه سرمایه گذاری در ۳ عامل:

✓ قابلیت های درون بنگاهی

✓ توسعه و تکمیل زنجیره ارزش خصوصاً خدمات متصل به تولید

✓ بهبود درجات ارزش افزوده

ویژگی ها:

- تعداد کمتر بنگاه های بهره مندی از تسهیلات بواسطه هدفمندی طراحی حمایت ها مبتنی بر نتیجه و عملکرد
- ابزارهای متعدد حمایتی متناسب با درجات تکمیل حلقه های زنجیره ارزش، بهبود قابلیت های درون بنگاهی و غیره
- وابستگی توان رقابتی بنگاه بر قابلیت های درونی و فقدان وابستگی به مزیت ها و رانت های دولتی
- نیاز به هزینه بالای سرمایه گذاری و پذیرش ریسک های ناشی از دیربازده بودن سرمایه گذاری های بنگاه و در نتیجه اهمیت تشکیل کنسرسیوم و گروه کسب و کار برای طی این مسیر (لزوم سیاست گذاری دولت به منظور جذابیت حضور سرمایه گذاران در این مسیر در مقایسه با مسیر A)

پیشنهاد ها



گزینش رشته فعالیت های
اولویت دار

تدوین بسته های هوشمند در
حمایت و تقویت صادرات

اصلاح ساختار بنگاهی صنایع



“ GOOD TO GREAT ”



آماده سازی صنایع کشور برای
انقلاب صنعتی چهارم

ایجاد و توسعه مراکز
تعالی رشته فعالیتی

کاهش هزینه های مبادله و
هزینه فرصت های سرمایه
گذاری در بخش تولید

حمایت ویژه از تحقیق
و توسعه بویژه در بنگاه
های کوچک و متوسط



۱- گزینش رشته فعالیت های اولویت دار

❖ با توجه به موارد شرح داده شده، لازم است رشته های استراتژیک شناسایی و هدف گذاری شوند. رشته هایی که برای تکمیل زنجیره ارزش، توسعه صادرات، ارتقای اشتغال و ایجاد مزیت رقابتی برای صنعت کشور نیاز به توسعه کمی و کیفی آنها وجود دارد.

❖ همچنین ضروری است نتایج کلیدی عملکردی برای صنایع کشور تعریف شوند و حمایت ها معطوف به رعایت الزامات تعریف شده در حوزه هایی نظیر بهره وری، اشتغالی، ارزش افزوده، کیفیت، فناوری و ... گردد و از ارائه مجموعه حمایت های غیرهدفمند، غیرزمانبندی شده و غیرمشروط و فارغ از شاخص های قابل سنجش خودداری شود.



۲- تدوین بسته های هوشمند در حمایت و تقویت صادرات

❖ لازم است بسته های حمایتی برای صنایع به صورت هوشمند متناسب با نیازمندی ها و انتظارات سیاست گذار طراحی و به روز رسانی شوند، که از آن جمله لازم است صنایع مورد حمایت ملزم به صادرات باشند، چراکه صنعتی که نتواند در بازارهای صادراتی حداقل در سطح منطقه رقابت کند، در بازار داخلی نیز بدون رانت و حمایت های ویژه زنده نخواهد ماند. از این رو تحریک صنایع به توسعه زنجیره های صادراتی باید به عنوان هدف اصلی حمایت ها در نظر گرفته شود و برای توسعه صادرات و جبران مشکلات ناشی از هزینه های مبادلاتی و رقابت پذیری، جوایز صادراتی هوشمند و متناسب با ارزش افزوده کالا و خدمات صادراتی پرداخت شوند. (در گذشته به همه نوع کالا ۳ و به همه خدمات فنی و مهندسی ۸ درصد جایزه پرداخت می شد، بدون آنکه توجهی به ارزش افزوده آن رشته صادراتی شود)



۳- اصلاح ساختار بنگاهی صنایع

- ❖ برخی از رشته فعالیت های صنعتی از ساختارهای بنگاهی معیوب و غیربهبوده رنج می برند. تعدد تولیدکنندگان، تمرکز و یا تفرق نابجای واحدها و ... از جمله برخی چالش ها در سطح ساختار بنگاهی بخش تولید است که نتایجی نظیر کاهش بهره وری، چالش های زیست محیطی، عدم تولید در صرفه های مقیاس و تنوع و ... را به همراه دارد.
- ❖ برای بهبود وضعیت بنگاه های تولیدی بهتر است چهارچوب هایی وضع شود که هدایت کننده بنگاه ها به سمت بهره وری باشد. بطور کلی دو دسته راهبری برای بهینه تر کردن فرایند بنگاه داری وجود دارد. یک دسته از اقدامات باید بصورت درون سازمانی از سوی خود بنگاه صورت پذیرد. دسته دوم این اقدامات می تواند از سوی سیاستگذار و حاکمیت بصورت چهار چوب و خط قرمز هایی مشخص به بنگاه ها ابلاغ شود تا هدایت گرفتاربنگاه ها به سمت بهره وری باشد.
- ❖ از جمله راهبرد های عملیاتی حائز اهمیت که در بُعد حاکمیتی می تواند بنگاه ها را به سمت بهره وری راهبری کند، نخست ممنوعیت صدور مجوز خارج از طرح آمایش سرزمینی است و دوم حذف حمایت های دولتی (ارز، وام ..) برای رشته های اشباع شده است. هر دو مورد موجب جلوگیری از اتلاف سرمایه و منابع کشور شده و زمینه نوآوری در تولید را فراهم می کند.



۴ - ایجاد و توسعه مراکز تعالی

- ❖ لازم است نقش نهادهای آموزشی و توسعه ای به منظور از بین بردن ضعف سیستم های مدیریتی، مدیریت منابع سازمانی، هوش تجاری و تحلیل های مدیریتی تقویت و پررنگ شود. در این حوزه می توان از ظرفیت تخصصی برای مجموعه ای از رشته فعالیت های صنعتی و معدنی بهره برد. تجربه کشور مالزی در ایجاد مراکز تعالی در بخش های مختلف می تواند مورد استفاده قرار گیرد.
- ❖ در ایران ستاد نانو مدل موفق از مراکز تعالی به شمار می رود که با سیاستگذاری مناسب میتوان زمینه توسعه این مراکز را در سایر رشته فعالیت های صنعتی مزیت دار یا هدفگذاری شده فراهم کرد.



۵- کاهش هزینه های مبادله و هزینه فرصت های سرمایه گذاری در بخش تولید

❖ اولین رکن توسعه بخش تولید، تقویت سرمایه گذاری است. بنابراین با توجه به وجود بازارهای موازی جذاب اما غیرمولد و همچنین چالش های متعدد موثر بر هزینه های مبادله بخش تولید، توجه سیاست گذار به جذاب نمودن بخش تولید نزد سرمایه گذاران ضروری به نظر می رسد. هرچند این مهم نیازمند برخی اصلاحات اساسی در ساختارهای کلان اقتصادی کشور است، اما در کوتاه مدت نیز می توان از طریق رفع موانع تولید و طراحی برخی ابزارهای حمایتی مسیر سرمایه گذاری در بخش تولید کشور را بهبود بخشید.



۶ - حمایت ویژه از تحقیق و توسعه بویژه در بنگاه های کوچک و متوسط

❖ لزوم ایجاد تحرک در بنگاه های کوچک و متوسط کشور بدلیل حجم زیاد اشتغال آنها موضوعی است که در سیاستگذارهای صنعتی و برنامه های توسعه مورد توجه قرار گرفته است. اگر نوآوری را اصلی ترین عامل رقابتی شدن و بهره ور شدن بنگاه ها بدانیم؛ هرگونه سیاستگذاری در جهت توسعه نوآوری در بنگاه موجب افزایش رقابت پذیری در بازارها خواهد بود.

❖ نوآوری و بهره وری دو رکن اصلی برای رقابت و حضور در بازارهای بین المللی است. همواره سیاست های مشوق مالیاتی بهترین سیاست برای هدایت بنگاه ها به سمت موضوعات مطلوب بوده است

جمع بندی



❖ روند توسعه صنعتی در اقتصاد ایران طی دهه های اخیر بواسطه عواملی همچون فضای نامساعد کسب و کار، ناتوانی در تبدیل مزیت های نسبی به رقابتی و دچار آسیب هایی شده است که از جمله آن ها نرخ منفی رشد بخش صنعت در دهه ۹۰ بوده است. مجموعه این عوامل موجب کاهش توان ارزش زایی صنعت کشور، کاهش رقابت پذیری و درنهایت انفعال اقتصاد کشور نسبت به بازار های جهانی شده است.

❖ فارغ از متغیر های برونزایی همچون تحریم، اقتصاد ایران نیازمند بازنویسی معادله توسعه خود و اصلاحاتی است که به صورت درونزا بر این معادله تاثیر می گذارند. از جمله این اصلاحات می توان به گزینش رشته های صنعتی اولویت دار، تدوین بسته های هوشمند در حمایت و تقویت صادرات، اصلاح ساختار بنگاهی صنایع، آماده سازی صنایع کشور برای انقلاب صنعتی چهارم، ایجاد و توسعه مراکز تعالی رشته فعالیتی، کاهش هزینه های مبادله و هزینه فرصت های سرمایه گذاری در بخش تولید اشاره کرد.

❖ حمایت ویژه از تحقیق و توسعه بویژه در بنگاه های کوچک و متوسط و تدوین سازوکار هایی مبتنی بر نوآوری و بهره وری می تواند در میان مدت موجب رشد و ارتقای جایگاه صنعتی کشور و افزایش اشتغال و رفاه عمومی گردد.